

پاسخ به حملات خصمانه رویونیستهای دون صفت «سازمان انقلابی» (بخش سوم)

«سازمان انقلابی افغانستان (سا)» در صفحه (8) بخش (6) "نوشته هایش" زیر عنوان «دن کیشوت های مائوئیست» نوشته است که «خیزش» عضو کمیته مرکزی سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م) در نوشته ای تحت عنوان «افغانستان در 34 سال اخیر» چنین می نویسد: ".... در حالیکه سازمان آزادیبخش مردم افغانستان، در سال 1358 بدست قهرمانان این سازمان ایجاد گردید و بعد از آن در راستای ایجاد جبهه متحد ملی تلاش نمود و همزمان ارتش توده ئی خود را در بسیاری از ولایات کشور نطفه گذاری نمود، که اسناد اعلامیه جبهه متحد ملی و عملیات های چریکهای این سازمان در آن زمان بر این گفته صحه می گذارد و برریش {مائوئیست ها}، «عمدتاً مائوئیست ها»، «حزب» و «پولاد» {توضیح: عبارت داخل پرانتز که به رنگ سیاه نوشته شده است، توسط «سازمان انقلابی افغانستان» در نوشته ای "افغانستان در 34 سال اخیر" جعلکارانه اضافه شده است} این منتقدان بی عمل می خندد. چه خوبست همینجا از «پولاد» که ضد «ساما» تلوارکشی می کند، بپرسیم که با اظهارات «کارگران» در نوشته «افغانستان در 34 سال اخیر» موافق است یا خیر؟!.

در همین حال در همین نوشته، تحریر شده است: «حالا همه این واقعیت را می دانند که هرکسی ادعای مبارزه و انقلاب کردن را می کند باید در میان مردم خود باشد، تا مردم را رهبری کند. اگر پشت کرده های فراری {مائوئیستهای افغانستان}، «پولاد» و «مائوئیستهای حزبی» {توضیح: عبارت داخل پرانتز در نوشته مزبور توسط "سا" جعلکارانه علاوه شده است} باز هم ادعای مبارزه را دارند برای اثبات خود شان که به این امر هنوز ایمان دارند، ترک سروترک مال و جان نکنند، بلکه حداقل با خانواده های شریف شان به خاک خودشان تشریف بیاورند. در غرب نشستن و به گذشته انتقاد کردن کار ساده است، چیزیکه دشوار و محک صداقت است مبارزه در میان مردم میباشد.... نوشتن علیه {رفیق فیض و رفیق مجید} کسانی که همه زندگی خود را در راه انقلاب و مبارزه فدا کرده اند بدون این محک ها نهایت رزیلانه {رزیلانه} است.... ما از اشتباهات گذشته به هیچ عنوانی دفاع نمی کنیم ولی این را می دانیم که کسانی اشتباه می کنند که عمل کنند. یک مبارز فرق میان اشتباه و عمل قصدی را باید بداند... رهبران جنبش انقلابی کشور ما {رفیق مجید و رفیق فیض} در زمان تجاوز شوروی به نبرد آزادیخواهان پرداختند و تاپای جان در کنار مردم خود ایستادند. آنان تازمانی که زنده بودند اشکال مختلف مبارزه مردم را رهبری نمودند.

نزدیک به دوازده سال از اشغال افغانستان توسط امپریالیسم امریکا و دیگر شرکای آن می گذرد، کجا اند «مائوئیستهای شورشی»، و «حزبی» و آقای «پولاد» این {توضیح: عبارت داخل پرانتز توسط «سا» در نوشته مذکور جعلکارانه علاوه شده است} خوشگذرانان کاباره ئی که جنگ خلق را علیه اشغال گران راه اندازی نمایند. آنها بر علاوه این اراجیف شان که بدون در نظر داشت شرایط زمان تجاوز اتحاد شوروی بر کشور ما، بر علیه {رفیق احمد و رفیق مجید و رفیق مینا این} پیش کسوتان جنبش انقلابی ما در کار مبارزه آن زمان انتقاد میکنند، این مسئله کتابی رانیز نشخواری می کنند که مطابق فرمول از قبل ارائه شده اول باید حزب کمونیست ایجاد میشد، بعد از آن جبهه متحد ملی و بعد از آن ارتش توده ئی. بنظر این آقایان {مائوئیست}، چه «شورشی»، چه «حزبی» و چه هم «پولاد» {توضیح: عبارت داخل پرانتز توسط «سا» در نوشته مزبور جعلکارانه اضافه شده است} علت اصلی شکست سازمانهای انقلابی در جنگ علیه اتحاد شوروی عدم رعایت این فرمول بوده است. بعضی از این اشخاص مدعی اند که بعلت همین انحرافات از سالهای 1362 یا پیشتر و بعدتر، از این سازمانها بریده اند و احزابی {مثل} حزب کمونیست " (مائوئیست) افغانستان «، «مائوئیست های افغانستان»، «سازمان پیکار (اصولیت پرولتری)» {توضیح: عبارت داخل پرانتز توسط "سا" جعلکارانه در نوشته اضافه شده است} را از آن زمان تأسیس کرده اند، حالا سوال این است که این احزابی که بگفته این آقایان مطابق معیارها ایجاد

گردیده است کجا فعالیت دارند؟ در صفحه انترنت {شعله جاوید}، «شورش»، «پیام آزادی» و «سوم عقرب» {توضیح: عبارت داخل پرانتز توسط «سا» جعل و اضلفه شده است} و یا در میان مردم؟ این یک سؤال کما کان باقی مانده است: با وجودی که «سازمان کارگران افغانستان» عمل «مائونیست‌تها» و «پولاد» را «ردیالانه» نه، ببخشید «نهایت ردیالانه» می خواند، آنان چگونه حاضر می شوند که اسناد این سازمان را به حیث سازمان «مارکسیست-لنینیست-مائونیست» دروب سایت های شان نشر و فحش و دشنام اوراتأید کنند؟ از دو حالت بیرون نیست: یا اینان باوردارند که «کارگران» بیماران روانی هستند که مبتلا به «افاشیا» و «نیولوجیزم» اند و گاهگاهی از چته بیرون می شوند، اما درحالات علیه «سازمان انقلابی» و «ساما-ادامه دهندگان» «البته براساس «ثوری سه جهان»!!! قابل مصرف هستند، و یا این دو خود کرنشگرانی هستند که خجالت نمی کشند، و جانی جبین می سایند که عمل آنان را «نهایت ردیالانه» می خواند.

به ادامه این سؤال، یک سؤال دیگر، از «پولاد» داریم و آن اینکه با وجودی که باوردارد:.... این حزب و رهبران آن با انحراف اپورتونیستی شان و هم اینکه طی هشت سال اخیر به خدمت برنامه ها و اهداف امپریالیست های اشغالگرو دورمزدور قرار گرفته است، شدید ترین ضربه هارابه جنبش (م ل م) کشور وارد کرده است... «این حزب» دیگر یک حزب کمونیست واقعی نیست و رهبران آن براساس ایدئولوژیک-سیاسی و موقعیت اجتماعی شان از جمله بورژواکپرادورهای هستند که پوشش (مارکسیستی-لنینیستی-مائونیستی) برتن دارند» (پاسخ به اتهامات بی بنیاد «گروه های مائونیست های افغانستان» 7 جوزای 2012) چگونه است که باز هم دست به نشر نوشته های سازمانی می زنند که «تاخت و تاز» بر «حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان» را «تاخت و تاز» بر «جنبش مائونیستی» می خواند؟ آیا زیرکاسه نیم کاسه ای است؟.

نقل مطالب فوق از نوشته ای تحت عنوان "افغانستان در 34 سال اخیر" توسط «سا» در اینجا به منظورتقتین صورت گرفته است. ولی من قبلاً از این "نوشته" هیچ گونه اطلاعی نداشته ام و فقط در همین روزها که خواستم به بخش ششم اراحیف «سا» پاسخ بدهم متوجه این موضوع شدم و با درخواست از یکی از رفقای "سازمان کارگران افغانستان" وی این نوشته را همراه توضیحاتی مختصر به دسترس من قرار داد. ولی از اینکه «سا» در نوشته ای مزبور جعلکاری و تقلب کرده است و در چند مورد نامهای تشکل "مائونیستهای افغانستان" و "حزب کمونیست (مائونیست)" افغانستان و نام مرا در آن اضافه نموده، عملی خایانه انجام داده است و نمی شود از رویزیونیستها و اپورتونیستهای توطئه گرانهماک به چنین عملکردهای خایانه انتظار نداشت.

رفیق "سازمان کارگران افغانستان" درباره ای مخاطبان اصلی و لحن نوشته ای تحت عنوان "افغانستان در 34 سال اخیر" توضیحاتی به این شرح ارائه کرده است: "این شگرد اپورتونیست ها است، نوشته هارابا کم و زیاد کردن کلمات و حتی جملات و چه بسا که حتی بدون تغییر، به شکل برش های خارج ازمتنی که نگاشته شده اند، در خدمت سوء تعبیر قرار می دهند. رویزیونیست های "سازمان انقلابی" قسمی که می بینید (هر چند که در میان قوس و بریکت و ناخنک) کلماتی را بر اصل متن منقوله از ما افزوده اند؛ به حیث مثال، اسم حزب کمونیست (مائونیست)، مائونیستهای افغانستان و پولاد را به مصداق یاتعبیرنوشته ی رفیق ما آورده اند؛ شما مرام و خط مارامی دانید، موضع گیری ما در برابر رویزیونیست ها و دفاع ما از مواضع مائونیستی رفقای افغانستانی مان، مشخص و مثبت است؛ در نوشته ای مزبور ایرادات و انتقادات، نه متوجه ی رفقای مائونیست های افغانستان، نه متوجه (پولاد)، نه متوجه ی حتی حزب کمونیست مائونیست بلکه متوجه ی آن اپورتونیستهای لمیده در غرب است که به گونه مزورانه و رهنانه از توریته ی مارکسیسم نام می برند و در عمل و مواضع اساسی در برابر آن قرار می گیرند؛ ما از همان آغاز متوجه ابهامی که در لحن نوشته ای یک تن از رفقای ما بود شدیم و رفیق مذکور را انتقاد کردیم که چرا آنگونه ابهام آمیز نگاشته است، موصوف از خود انتقاد نموده و شرح داده بود که وی بیشتر به بقیه السیف امثال رهائی وساما و... پرداخته است که در غرب نشسته اند و بی آنکه در خدمت انقلاب پرولتری قرار داشته باشند، از برج عاج روشنفکرانه داوری می کنند؛ لهذا، محلی

از اعراب نخواهد داشت که مخاطب آن نوشته رفقای خویش را قلمداد کرده باشیم. مخاطب آن نوشته رویونیستهای متعفی است که پرولتاریا را فروخته اند.

رویزیونیستهای "سازمان انقلابی" چون در برابر انتقادات اصولی من و دیگر بخشهای مختلف جنبش انقلابی پرولتاری (م-ل-م) از سابقه رویونیستی و تسلیم طلبی شان در "سازمان رهائی" و منجلا ب رویونیسم و اپورتونیسیم کنونی شان هیچ گونه پاسخ منطقی و اصولی ندارند؛ لذا حقیرانه و ذلیلانه به اتهام زنی، توطئه گری و اینک به جعلکاری و تقلب نیز دست زده اند. همچنین در مورد دیگری از توطئه گریهای "سا" باید تذکردهم که: نظرات و مواضع (ما) در برابر "حزب کمونیست (مائونیست)" افغانستان و تشکلات دیگر مشخص بوده و اسناد آن در جنبش انقلابی پرولتاری (م-ل-م) کشور موجوداند. و نیز در امر پیشبرد مبارزه ای مشترک کنونی بخشهای مختلف جنبش انقلابی پرولتاری (م-ل-م) افغانستان علیه رویونیسم و اپورتونیسیم و تسلیم طلبی و خاصاً مبارزه علیه توطئه های خائنه، فحاشیها، جاسوسیها و تخریبکاریهای رویونیستها و اپورتونیستهای "سازمان انقلابی"، "ساما-ادامه دهندگان" و افرادی از بقایای "ساو" علیه جنبش انقلابی پرولتاری (م-ل-م)؛ "حزب کمونیست (مائونیست)" افغانستان هیچگونه سهمی ندارد. مبارزه ای مشترک کنونی ما علیه این رویونیستهای ضدانقلابی و خاین به این مفهوم نیست که بین ما اختلافات و یا تضادهای وجود ندارد. عبارت دیگر این مبارزه مشترک ما علیه این باندهای رویونیستی و اپورتونیستی مانع از آن نمی شود که ما اشتباهات و انحرافات ایدئولوژیک-سیاسی خود را نادیده بگیریم و آنها را مورد نقد و بررسی قرار ندهیم. بهیچ صورت چنین نیست! در مورد همین نوشته "افغانستان درسی و چهار سال اخیر" مواضع ما مشخص است. ما در موارد معینی با نقطه نظرات و مواضعی که در این نوشته انعکاس یافته است، اختلاف نظر اصولی داریم. اگرچه رفقای "س ک ا" درباره ای مخاطبان مورد نظر نویسنده در این نوشته، توضیحاتی داده و تا حدی رفع ابهام کرده اند؛ اما در این نوشته نقطه نظرات و مواضع اشتباهی و انحرافی جدی ای وجود دارند که لازم است تا رفقای سازمان کارگران افغانستان (م-ل-م) بر مبنای اصل کمونیستی "انتقاد و انتقاد از خود" آنها را نقد نمایند. لیکن شیوه ای حل اختلافات و تضاد بین بخشهای مختلف جنبش کمونیستی (م-ل-م) اصل "مبارزه و وحدت-مبارزه" است، یعنی از طریق مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی اصولی داخل جنبش کمونیستی (م-ل-م) و با اتکاء به اصل کمونیستی "انتقاد و انتقاد از خود" انجام می شود. و مبارزه ای ما علیه انواع رویونیسم و اپورتونیسیم و تسلیم طلبی به لحاظ ماهیت طبقاتی آنها مشخص است و این مبارزه ماهیتاً یک مبارزه طبقاتی است. مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی مشترک کنونی ما علیه رویونیسم و اپورتونیسیم و تسلیم طلبی، مبارزه علیه دشمن مشترک جنبش انقلابی پرولتاری (م-ل-م) و دشمنان آستی ناپذیرتوده های خلق و میهن است. "سا" و دیگر همپاله های رویونیست و اپورتونیست آن به شکل جنون آمیزی جنبش انقلابی پرولتاری (م-ل-م) را مورد حملات خصمانه قرار می دهند و هر روز اتهامات بی بنیاد جدیدی را علیه من و بخش های دیگر جنبش مارکسیستی-لنینیستی-مائونیستی افغانستان می تراشند و توسط میرویس محمودی این خادیسست وطن فروش و جاسوس استخبارات امپریالیسم امریکا و ارتجاع از طریق سایت "افغانسان-آزاد" (این لانه جاسوسی و تریبون فحاشی و توطئه گری) علیه جنبش مارکسیستی-لنینیستی-مائونیستی) به نشر می رسانند.

امروز رویونیسم در قدرت در سطح جهان که پایگاه عمده اش در چین است، یعنی در رأس دولت سوسیال امپریالیستی چین قرار داشته و استخبارات آن با دستگاه های استخباراتی امپریالیسم بین المللی در همکاری نزدیک قرار دارد. "سازمان رهائی" که بیش از سه و نیم دهه توسط دولت ارتجاعی و ضدانقلابی چین حمایت و تغذیه می شود و اکنون جناحی از آن با عین ماهیت خط ایدئولوژیک-سیاسی و اهداف و استراتژی، نام جدیدی یعنی "سازمان انقلابی" بر خود نهاده است و از طریق استخبارات دولت سوسیال امپریالیستی چین که در افغانستان نفوذ عمیق و گسترده داشته و با سرویسهای استخباراتی امپریالیستهای اشغالگر و دولت مزدور مرکزی و دولتهای پاکستان و ایران همکاری نزدیک دارد؛ علیه جنبش کمونیستی (م-ل-م) افغانستان و فعالین آن جاسوسی و توطئه گری می نماید. رویونیستها و اپورتونیستهای "سازمان انقلابی" و "ساما-ادامه دهندگان" و عناصری از بقایای "ساو" دشمنان

هارجنش کمونیستی (م-ل-م) هر از گاهی اتهامات بی بنیاد جدیدی جعل می کنند؛ در حالیکه برای هیچ یک از این اتهامات بی اساس شان نسبت به من و بخشهای دیگر جنبش (م-ل-م) حتی نمی توانند جزئی ترین قرینه ای از "واقعیت" ارائه کنند. با آنکه انواع رویزونیسم و اپورتونیسم در کشورهای مختلف جهان به اشکال و شیوه های گوناگون علیه جنبشهای انقلابی پرولتری در کشورهای شان و در سطح جهان تخریبکاری می کنند؛ ولی طی سی و پنج سال اخیر رویزونیستهای حزب "توده" ایران و چریکهای فدائی خلق (اکثریت) که در همکاری نزدیک با سپاه پاسداران رژیم قاتل و جنایتکار خمینی قرار گرفتند و خاینانه علیه فعالین جنبش کمونیستی و جنبشهای مترقی ایران جاسوسی کردند و صد ها تن از فعالین این جنبشها را به مسلخ رژیم آدمکش جمهوری اسلامی فرستادند. به همین صورت زمانی که در دهه نود میلادی گروهی از زندانیان حزب کمونیست پیرو به دولت پیرو تسلیم شدند سهمگین ترین خیانت را به انقلاب و خلق پیرو مرتکب گردیدند. این گروه که بنام "آسومیر" یاد می شد ده ها تن از اعضای حزب کمونیست پیرو (م-ل-م) را در بیرون از زندان به پولیس مخفی دولت خونخوار فوجیموری معرفی کردند که اکثریت آنها توسط این دولت دستگیر و وحشیانه شکنجه شده و به حبسهای طولانی مدت محکوم شدند و یا به قتل رسیدند. اکنون رویزونیستهای «سازمان انقلابی» و «ساما-ادامه دهندگان» و افرادی از بقایای «ساوو» این عمل خاینانه و ضدانقلابی را انجام داده و نام وهویت و آدرس فعالین جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) را به استخبارات دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی و گروه های ارتجاعی ضد کمونیست مذهبی و "غیر مذهبی" معرفی می کنند. این اعمال جنایتکارانه جاسوسی و توطئه گری و فحاشی عمق کینه توزی و خصومت ورزی این رویزونیستها و اپورتونیستهای ضد انقلابی را نشان می دهد.

«سازمان انقلابی افغانستان» در صفحه چهارم بخش نهم اراجیف نامه اش مسئله طولانی مدت (چند دهه عضویت اش را در «سازمان رهائی») بزعم خودش «توجیه کرده» و می گوید که: «ائتلاف» مائونیستها» گویا به دیالکتیک باور ندارد..... در حالیکه تاریخ جنبش کمونیستی جهان نشان می دهد که این نگرش، یک نگرش غیر دیالکتیکی است، چنانچه نین سالهای سال عضو «گروه کار» پلخانوف بود تا اینکه راهی برایش باقی نماند، جز بریدن از آن و ترسیم راه جدید».

نه خیر آقایان! من در نوشته های قبلی ام ماهیت انحرافی خط ایدئولوژیک-سیاسی "سازمان رهائی"، یعنی تسلط خط اکونومیستی (اپورتونیستی) و تئوری رویزونیستی "سه جهان" برای مدت حدود چهار دهه و چگونگی "انشعاب" شما از "سازمان رهائی" و مواضع و نظریات اپورتونیستی شما را بعد از این "انشعاب" و نحوه «انتقاد» شما به شیوه ای اپورتونیستی از رویزونیسم "رهائی" و هم اینکه وفاداری خود را به خط و به ادامه راه رهبری سابق "سازمان رهائی" به صراحت اعلام کرده و تا امروز هم بر همین مبنا عمل کرده اید؛ چگونه تفصیلی توضیح داده ام و لزومی به تکرار دوباره ای آن در اینجا دیده نمی شود. این ادعای بی بنیاد شما در مورد اینکه گویا ما به "دیالکتیک باور نداریم" و این نگرش ما را (مبنی بر اینکه شما هنوز در نظر و عمل تقریباً بر مبنای همان خط رویزونیستی و تسلیم طلبانه گذشته ای تان حرکت می کنید) "غیر دیالکتیکی" می خوانید. و هم اینکه گسست قاطع از یک خط رویزونیستی و تسلیم طلبانه طبقاتی و ملی چگونه است و یا اینکه گفته ایم که شما چگونه واقعی از رویزونیسم "رهائی" گسست نکرده اید و مفهوم دیالکتیک ماتریالیستی چیست؛ اینها همه بحثهای است که تکرار دوباره آنها و ادامه پلمیک با شما دیگر مانند "یاسین خواندن به گوش شماست"؛ زیرا شما از همان مواضع اولی، چند سال قبل تان هم به عقب رفته اید و مدتی است که منحیث یک تشکل رویزونیستی و تسلیم طلب در یک اتحاد ضد انقلابی با دیگر تشکلات و افراد اپورتونیست و رویزونیست و تسلیم طلب (و حتی جاسوس) عملاً در برابر جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) قرار گرفته اید و به فحاشی، توطئه گری و جاسوسی (یعنی افشای نام فعالین این جنبش برای استخبارات امپریالیستی و ارتجاعی منجمله دولت استعماری کرزی ادامه می دهید)؛ از اینرو شما یک تشکل رویزونیستی و ضدانقلابی هستید. شما در لفظ از دیالکتیک صحبت می کنید؛ در حالیکه در عمل علیه ما فحاشی و توطئه گری و جاسوسی می کنید و بر "مائونیسم" حملات خصمانه می نمائید. همین برخوردهای شما درباره "رهائی" و "ساما" و (مجیدوداکتر فیض) در هیچ سطحی با دیالکتیک ماتریالیستی همخوانی ندارد. شما با آنکه به

غلط مدعی "گسست" از "سازمان رهائی" هستید؛ ولی هنوز حاضر نیستید که بگوئید "رهائی" یک سازمان رویزیونیستی و تسلیم طلب بوده و هست.

"سا" بیهوده عضویت چنددهه ای خود را با "رهائی" با "عضویت" لنین در "گروه آزادی کار" تحت رهبری پلخانوف مقایسه می کند. و. پلخانوف و کسانی دیگر از درون جنبش نارودنیکی جدا شدند و اولین محفل مارکسیستی روسیه "گروه آزادی کار" را در سال (1883) در ژنیو، در خارج روسیه تشکیل دادند. اول اینکه لنین عضو "گروه آزادی کار" پلخانوف نبود؛ ثانیاً اینکه هیچ وجه تشابهی بین عملکرد رهبری "رهائی" با پلخانوف وجود ندارد. با آنکه "گروه آزادی کار" دارای خطاها و انحرافات جدی بود و پلخانوف نیز دارای نظریات غلطی بود که نطفه نظریات منشویکی بعدی وی گردید. با وجود آن پلخانوف در جهت انتشار مارکسیسم در روسیه مبارزه و خدمت کرد؛ در انتشار نظریات مارکس و انگلس همت گماشت؛ لنین می گوید که: "پلخانوف با پخش نوشته هایش خاصاً "بررسی مسئله تکامل نظریه مونیستی در تاریخ" و پخش آثار مارکس و انگلس یک نسل کامل از مارکسیستهای روس پرورش یافته است؛" پلخانوف نقطه نظر ماتریالیسم مارکسیستی را رشد داد؛ "گروه آزادی کار" دوطرح برای برنامه سوسیال دموکراتهای روس تنظیم نمود، این اقدام برای تدارک زمینه ایجاد حزب سوسیال دموکراسی مارکسیستی در روسیه گامی بسیار مهم بود. لنین در مورد پلخانوف می گوید: "ما فقط خاطر نشان می کنیم که در سوسیال دموکراسی بین المللی یگانه مارکسیستی که به سفته گوئی های عجیب رویزیونیستها در این مورد از نقطه نظر ماتریالیسم دیالکتیک پیگیر مورد انتقاد قرارداد پلخانوف بود (مارکسیسم و رویزیونیسم صفحه 97 - تاریخ حزب کمونیست - بلشویک-).

لنین در سال (1870) میلادی تولد شد. در سال 1887 داخل دانشگاه غازان شد، ولی بعلت شرکت در جنبش انقلابی دانشجویان بزودی بازداشت شد و از دانشگاه نیز اخراج گردید و در سال 1895 "اتحادیه مبارزه برای آزادی طبقه کارگر" را تشکیل داد. لنین سرانجام در سال 1917 انقلاب کبیر اکتوبر را موفقانه رهبری کرد و برای اولین بار در تاریخ طبقه ای را با قدرت رسانید که از زمان تقسیم جامعه به طبقات تحت استثمار وستم قرار داشت ولی اگر از همین دیدگاه به رهبری "سازمان انقلابی" نگاه کنیم می بینیم که اینها طی سه و نیم دهه خط اکونومیستی را جایگزین خط مارکسیستی-لنینیستی-اندیشه مائوتسه دون تحت رهبری رفیق اکرم یاری کردند که عمدهً موجب انحلال "س ج م" و فروپاشی جنبش دموکراتیک نوین آن جنبش عظیم توده ای گردید. و بعد با غلتیدن در پرترتگاه رویزیونیسم چینی ضربت شدیدی بر جنبش انقلابی پرولتری نوپای افغانستان وارد کردند، که این حرکت درست در مسیر معکوس زندگی مبارزاتی لنین قرار داشته و از بالا به پائین، از عالی به دانی و از سرخ به سیاه حرکت کرده است. "سازمان رهائی" به شمول همین آقایان، دونسل از روشنفکران هوادار جنبش دموکراتیک نوین رابه لحاظ ایدئولوژیک-سیاسی به حسیض گمراهی کشاند. اکنون "سا" با رنگ و لعاب دوباره ای رویزیونیسم چینی بار دیگر جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) کشور را ضربت میزند. و بر همین مبناست که با دیگر گروه های اپورتونیستی و رویزیونیستی متحد شده و حملات خصمانه را علیه جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) آغاز کرده و به مارکسیست-لنینیست-مائونیست ها فحاشی می کند و آنها را برای استخبارات امپریالیستی و ارتجاعی معرفی می نماید. آقایان! قدری شرم و حیاب برای آدمیزاد خوب است. شما اپورتونیستها و رویزیونیستهای منحط چگونه خود را با لنین بزرگ مقایسه می کنید؟ و می گوئید که گویا لنین هم "چندین سال عضو" گروه آزادی کار" پلخانوف بود تا اینکه از آن برید! و اینک شما هم گویا بعد از سه و نیم دهه از لژ نزار رویزیونیسم چینی و تسلیم طلبی طبقاتی و ملی، "سازمان رهائی" «گسست» کرده اید!! آفرین به این "جرتت" و پرروئی شما! اگر شما واقعاً از رویزیونیسم و تسلیم طلبی "سازمان رهائی" می بریدید و "م-ل-ا" های واقعاً انقلابی می بودید؟ می توانستید مدعی شوید که به نحوی عمل مارکسیستی-لنینیستی انجام داده اید!

آقایان! تنها حضور فیزیکی داشتن در کشور به معنای "انقلابی" بودن و یا عمل انقلابی انجام دادن نیست. چنانچه در نوشته های قبلی ام نیز تذکر داده ام که: امکان ادامه فعالیت علنی شما در داخل کشور همان در دست داشتن سند شرکت شما در کنفرانس "بن" است. و با داشتن همین کارت معافیت زیر چتر حمایتی قدرتهای اشغالگر و دولت مزدور زندگی می کنید. ولی شما با کمال لجاجت آنرا «استفاده از شرایط نام می

گذارید!». شما اگر صد بار مدعی شوید که بخاطر «نیاز و ضرورت کشور» در کشور مانده اید دروغ می گوئید؛ زیرا مواضع ایدئولوژیک-سیاسی و نظریه عمل شما شهادت می دهد که شما کوچکترین گامی در جهت نجات خلق و میهن از سلطه استعمار و امپریالیسم و طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور بر نمی دارید. شما رویزیونیستهای منحط و بی آرم و دیده در با شیادی و شارلتان مآبی به چشم توده های خلق ناآگاه خاک می پاشید. شما مانند تشکل سلف تان (سازمان رویزیونیستی "راهائی") و دیگر تشکلات و افراد رویزیونیست و اپورتونیست برای امپریالیستهای اشغالگر و دولت دست نشانده کرزی هیچ گونه خطری نیستید. زیرا شما با بلند کردن شعارهای به ظاهر «انقلابی» و «مترقی»، از جمله دستیاران و خادمین امپریالیسم و طبقات ارتجاعی هستید. شما اینرا در نظریه عمل ثابت کردید که از جمله دشمنان سوگند خورده ای جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) و انقلاب پرولتری هستید. شما بیشتر از نیروهای ارتجاعی اسلامی و تشکلات ارتجاعی ظاهر آغیر «مذهبی» مانند "افغان ملت" و گروه های همسخ آن و باندهای رویزیونیست و وطن فروش، آدمکش و جنایتکار خلقی پرچمی و "سازائی" و ملیشه ای در ضربت زدن و سرکوب جنبش انقلابی پرولتری و هرجنیش مترقی دیگری در کشور، برای امپریالیستها و دولت مزدور آنها خدمت می کنید. زیرا در آنجا هائیکه که سرویسهای استخباراتی امپریالیستهای اشغالگر و دولت مزدور کرزی و گروه های ارتجاعی از شناخت هویت مبارزین انقلابی افغانستان؛ عاجز هستند شما چون با ماسک مترقی در درون جنبش چپ و جنبش انقلابی پرولتری پرازیت و ارمدمت زمان طولانی زندگی کرده اید؛ به نحوی فعالین جنبش انقلابی پرولتری کشور را می شناسید و برای سرویسهای استخباراتی معرفی می کنید. مثال غیر قابل انکار آن هم معرفی نام و هویت من برای سرویسهای استخباراتی امپریالیستی و ارتجاعی توسط باند جاسوسی تان که در کشورهای غربی زندگی می کنند، میرویس محمودی و موسوی می باشد. همچنین تهدید شما توسط "موم" برای سازمان کارگران افغانستان که اگر انتقاد از رویزیونیسم و تسلیم طلبی «سازمان انقلابی» و «ساما- ادامه دهندگان» را متوقف نکند؛ نام و هویت چند تن از اعضای آنرا برای استخبارات دولت کرزی و "سیا" امریکا و استخبارات چین و دیگر کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی و گروه های ارتجاعی مذهبی و "غیر مذهبی" معرفی می کنید. آقایان! آیا همین «نیاز و ضرورت کشور» باعث شده است که بقول رفیق شما "توخی" در افغانستان «در بین خون آتش» باقی بمانید و همه ای تان به کشورهای غربی "نرسید"؟! شما بیهوده و راجی می کنید و لاطیلات و مزخرفاتی را می پراکنید که فقط هواداران شما را در داخل و خارج کشور دلخوش خواهد ساخت.

10 جولای 2013

(پولاد)